

## عکاسی در شیراز

منصور صانع



نتیجه‌ی بحث این شد که اگر هر دانشجوی عکاسی، تاریخ عکاسی شهر و دیار خود را پیگیری کند، نهایتاً ما هم تاریخ مدون و کاملی از سیر تحول عکاسی در ایران خواهیم داشت و این کار مهم اراده‌ای قوی و پشتکاری فراوان می‌طلبد و پاسخ به این سؤال که از کجا شروع کنیم، اولین پرسش ذهن ما شد.

من در همان ایام به شیراز رفتم و به یاری استادم آقای حسن چهره‌نگار با خانواده‌ی چهره‌نگار و بعد با دیگر عکاسان آشنا شدم و هر کسی که می‌توانست من را در این کار بزرگ یاری کند. روزهای

سال‌ها پیش در دوران دانشجویی عکاسی در دانشکده‌ی هنرهای زیبا، درسی داشتیم تحت عنوان «تاریخچه‌ی عکاسی» که توسط آقای اکبر عالمی تدریس می‌شد. در این کلاس، پس از آشنایی با تکامل عکاسی در جهان، به بخش تاریخ عکاسی در ایران رسیدیم که اطلاعات ما از تاریخ عکاسی در ایران فقط به چند سطر مطلب ختم می‌شد.

در کلاس بحثی درگرفت که چرا ما تاریخ مدونی از عکاسی ایران نداریم، در حالی که کوچک‌ترین جزئیات تحول عکاسی در اروپا و امریکا برای ما روشن است؟

دستخط‌های شاه بر حاشیه‌ی عکس‌های سفر فرزندش به شیراز... به راستی که دوران تحقیق، دورانی زودگذر و عجیب بود. این کار امروز دیگر امکان ندارد، چون همگی به استثناء منوچهر خان که خدا عمرش را طولانی کند، از این دنیا رخت بر بسته‌اند و خاطرات گرانبهای خود را در دل خاک جای داده‌اند.

زیادی فاصله‌ی خانه تا عکاس‌خانه زنده‌یاد بهرام چهره‌نگار، یعنی عکاس‌خانه فردوسی را با موتور گازی طی می‌کردم تا بتوانم در تاریکخانه‌ی خود بهرام خان عکس‌ها را چاپ کنم چون اجازه‌ی حمل شیشه‌ها را به خارج از عکاس‌خانه نداشتم. بعدها دامنه‌ی کار را وسعت دادم. در اداره‌ی میراث فرهنگی که



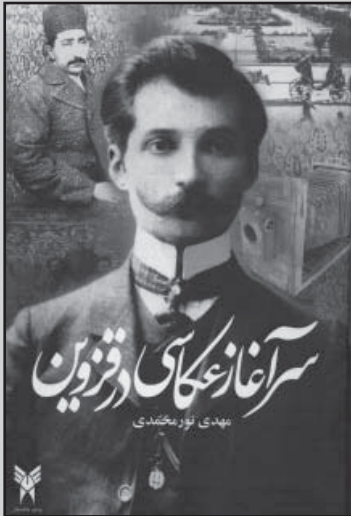
پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی  
رتال جامع علوم انسانی

در تحقیق من، جرقه‌ی اولیه در کلاس درس تاریخچه‌ی عکاسی زده شد و درس روش تحقیق و آموزش دانشگاهی هیچ نقشی در این کار بازی نکردند. پس از پایان کار تحقیق هم، چون آقای اکبر عالمی در دانشکده نبودند، استاد راهنمای دیگری برای ما انتخاب شد.

اخیراً جلد دومی هم از همین تحقیق را تحت عنوان «به یاد شیراز» منتشر نمودم که با نگاهی جدید، علاوه بر تحقیق پیرامون عکس‌های قدیمی، دامنه‌ی کار را به شناسایی مطبوعات و کتب معاصر با عکس‌ها گسترش دادم و سعی

هنوز افراد زیادی هستند که می‌توانند به عنوان منبع در خصوص زوایای تاریک عکاسی ایران به ما اطلاعات بدهند و عکس‌های بسیاری نزد خانواده‌هاست که در معرض نابودی قرار دارند

عکس‌های صد ساله را توی کارتن روی هم ریخته بودند، انبار موزه‌ی شاهچراغ و عکس‌هایی که غبار چهل ساله بر روی‌شان نشسته بود، آرشیو منوچهرخان چهره‌نگار و انباری پر از شیشه‌های نگاتیو و هم صحبتی با مادر دانشمندش که مانند تاریخ زنده‌ای از یک صد سال عکاسی در شیراز بود، کاکاجان صلحدوست یارگار بهرام خان و خاطرات دوران چاپ عکس با نور فانوس، مؤسسه‌ی مطالعات تاریخ معاصر در تهران، عکس‌خانه کاخ گلستان و آلبوم شعاع السلطنه والی فارس و پسر مظفرالدین شاه قاجار به همراه



سرآغاز عکاسی در قزوین

مهدی نورمحمدی

نشر حدیث امروز (قزوین)،

دانشگاه آزاد اسلامی واحد تاکستان، ۱۳۸۳

ناصرالدین شاه که می‌توان او را نخستین مروج عکاسی در ایران دانست، پس از ملک قاسم میرزا دومین ایرانی است که با علم و عمل عکاسی آشنا شده است. از طرفی می‌توان ارتباط تنگاتنگ عکاسی و انقلاب مشروطه را یادآور شد که به عبارتی پس از دربار قاجار، مشروطه از مهم‌ترین عوامل رواج عکاسی در ایران است. مشروطه نگاه عکاسان را به سوژه‌های انقلابی معطوف کرد و تجارب جدیدی را برای عکاسان به ارمغان آورد. هم‌چنین عکاسی را به خدمت آرمان‌های اجتماعی درآورد و از آن طرف عکاسی نیز به انقلاب مشروطه کمک‌های زیادی کرد.

عکاسان در دوره‌ی مشروطه در ارائه‌ی پیشامدهای انقلاب مشروطه و وقایع و افراد تأثیرگذار این دوره و چاپ و نشر آن در میان مردم در زنده نگه داشتن خاطره‌ی این نهضت و رواج دموکراسی نقش مهمی ایفا



نمودم با هر عکس، مطلب مستند که گاه اصل مطلب نیز کلیشه می‌شد همراه کنم در نهایت بسیار جالب شد.

به نظرم تحقیقات پژوهشگران معاصر خارجی به طور قطع نمی‌تواند به نتایجی که پژوهشگران بومی به دست می‌آورند برسد. زیرا روابط فیما بین و آشنایی افراد با یکدیگر در یک محدوده‌ی جغرافیایی خاص می‌تواند نتایج بسیار مهمی به دست دهد. اما کار پژوهشگرانی که در دهه‌های گذشته به این کار پرداخته‌اند به یقین با توجه به از میان رفتن بخش عظیمی از عکس‌ها و مدارک در گذر زمان، می‌تواند بسیار کار بارزشی محسوب گردد. به طور مثال، در کانادا به رساله‌ای برخورد کردم که دانشجویی برای دوره‌ی فوق لیسانس خود، شهر شیراز را انتخاب کرده و چهل و دو سال پیش به شیراز رفته بود و از همه‌ی خیابان‌ها، مردم و مشاغل آنها عکاسی کرده و بعد هم در تیراژ بسیار محدودی حاصل کارش را به چاپ رسانده بود که می‌تواند صفحات تازه‌ای از وضعیت اجتماعی و سیاسی ایرانیان را در آن محدوده‌ی زمانی مشخص پیش روی ما قرار دهد.

باید این حقیقت را نیز در نظر داشت که هنوز افراد زیادی هستند که می‌توانند به عنوان منبع در خصوص زوایای تاریک عکاسی ایران به ما اطلاعات بدهند و عکس‌های بسیاری نزد خانواده‌هاست که در معرض نابودی قرار دارند.

منصور صانع متولد ۱۳۳۷ در شیراز و فارغ التحصیل رشته عکاسی از دانشکده‌ی هنرهای زیبا دانشگاه تهران، در ۱۳۶۹ می‌باشد. وی عکاسی را به طور جدی، در سال ۱۳۶۳ شروع کرده است.